

و گرنه دزدان حریص چشم عبرت بسته با اینکه دیدند رئیس مالیه درخت افکن بکفر این عمل چگونه جان داد باز هم یکی بعد از دیگری پس از قطع بکفر اعمال میرسیدند .

(وحید)

«فارس بر همه جا مقدم است»

ما از نخستین روز که برای نگارش « ارمغان » قلم بر گرفته و خدمت بعالم ادبیات را تا اندازه قدرت خویش کمر بر بستیم . در نظر داشتیم که نام نامی شعرا و ادبای حقیقی قرن اخیر ایران را همواره زیب صفحات ارمغان قرار داده و در دوره که قدر ناشناسی و جهالت جامعه علم و ادب را تا بود و شاعر و ادیب را در قبرستان فراموشی مدفون ساخته . بدرجه وسع و قدرت از آنان قدر شناسی نمائیم .

برای تکمیل این مقصود البته لازم بود که بدنیای متمدن امروزی اقتدا کرده عکس مقدس شعرا و ادبائی که اصول شعر و ادب بشمارند گراور ساخته با شرح حال و کیفیت زندگانی و مختصری از آثار بدیمه آنان در صحنه تاریخ برای فرزندان آتیه یادگار بگذاریم آری در زمانی ما از این مسلك تعقیب میکنیم که دزدان بشریت و قاطعان طریق علم و ادب این حق مشروع را هم از ادبا و شعرا غصب کرده و بوسبله مشتی سیم و زر که از خزانه جامعه

ملت دزدیده اند صفحات مجلات علمی و تاریخی را نیز دزدیده عکس منحوس نا مبارک خود را با یکسلسله خلاف واقع و دروغ در همان صفحات طبع و نشر مینمایند .

ما پیش وجدان خود سر بلندیم و در پیشگاه تاریخ نیز شرمسار نخواهیم بود که یوسف حقیقت را بدراهم معدود تقروخته دزد را امین نشناخته بی ادب را ادیب و بیشعور را شاعر نشمرده و نخواهیم شمرد ما صورت اشخاصی را فقط گراور خواهیم کرد که در عالم شعر و ادب و حکمت و اخلاق دارای مقامات بلند باشند و احدی بلندی مقام آنانرا انکار نکند . بزرگانی که در طی قرن اخیر ایران مروج علم و ادب بوده و از معارف بیمار و محتضر ایران پرستاری کرده اند مانند نیز حق دارند و ما موظفیم که بگراور صورت و شرح حال آنان بعضی از صفحات

ارمغان را اختصاص دهیم . *مجموعه انسانی و مطالعات فرهنگی*
این بود مرام و مقصد ما از دو سال پیش و اینک که پس از دو سال سرمایه مختصر ارمغان تعقیب آن مرام را با قدمهای خیلی کوچک اجازت میدهد بعد از تأمل بسیار کشور حکمت و علم و ادب خیز (فارس را) بر همه جا مقدم شناخته و نخست بگراور صورت معنی نمای شعرا و حکما و معارف پژوهان فارس پرداختیم .

کشور فارس علاوه بر اینکه بواسطه پرورش سعدی ها و خواجه ها ، در دفتر تاریخ ادبیات عالم بالطبع صفحه مقدم را

تشکیل میدهد. امروز از حیث اخلاق حسنه و علوم و ادبیات و بزرگان معارف پرور و جرائد پا کدامن حق نویس نیز بر تمام ایالات و ولایات ایران مقدم است.

در قلمرو کشور ادب پرور فارس مجله ادبی ارمغان را بهمین سبب بهتر از همه جا استقبال کردند. در حقیقت اعتراف میکنیم که کاخ دوام و بقای این مؤسسه کوچک ادبی ما را معماران عرفان پژوه فارس شالوده ریخته و بنا نموده و هم باتمام و انجام خواهند رسانید.

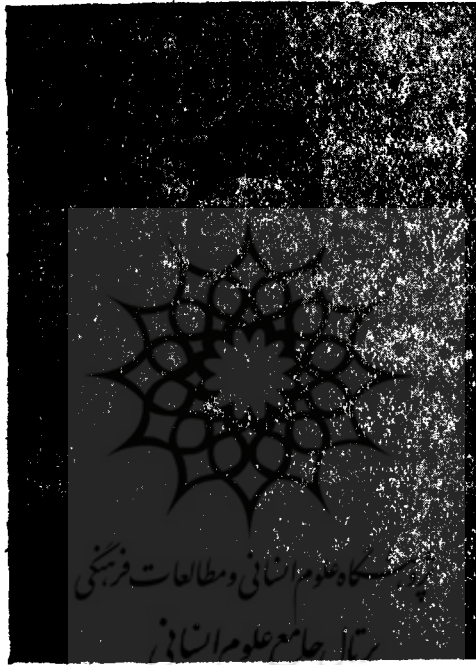
مخصوصاً حضرت سلطان الناطقین و ابوالمعارف والاخلاق آقای امین الواعظین که زبان و خامه نگارنده از بیان محامد اوصاف و اسلام پرستی و معارف گسترگی وی عاجز است.

یکدهن خواهم بپهنای فلک

تا بگویم وصف آنر شک ملک

باری اینک با همین عقیده که (فارس بر همه جا مقدم است) شروع بمقصود کرده نخست تمثال بی مثال مرحوم (فرصت الدوله) را با شرح حال وی در این شماره زیب صفحات نموده و درنمرات آتیته متدرجاً تا آنجائیکه سرمایه ما اجازت دهد بسایر شعرا و ادبا و معارف پروران خواهیم پرداخت.

(خداوندگار و سخن علم و صنعت و افتخار بزرگ تاریخی)
 (قرن اخیر ایران و ایرانیان مرجوم)
 « فرصت الدوله شیرازی »



(عمل میرزا عبد الحسینخان عکاس و گراور ساز)
 فرصت الدوله در حدود سال (۱۲۷۱) هجری متولد و پس
 از طی شصت و هشت مرحله از مراحل زندگانی در روز دهم
 ماه صفر (۱۳۳۹) از سرای خاک بعالم قدس شتافت . جنازه اش
 را اهالی ادب پرور شیراز با احترامات شایان در بقعه حافظ
 نقل نموده در جوار خواجه بزرگ عالم سخن ب خاک سپردند .

فرصت الدوله - مسمی بمحمد نصیر و پدرش میرزا جعفر متخاص بیہمت و یکی از شعرای بزرگ قرن اخیر بشمار است جد وی نصیر الدین محمد نیز حکیمی بلند پایه و شاعری گرانمایہ بودہ آثار ادبی او در السنہ و افواہ مشہور است . شرح حال و آثار ادبی این دو بزرگوار در شماره های آتیہ نگاشته خواهد شد .

فرصت الدوله علوم ادبیہ را در خدمت شیخ مفید شیرازی متخلص بداور تحصیل نموده و تخلص فرصت را نیز همان استاد بوی ارزانی داشته فرصت الدوله از علوم جدیدہ و قدیمہ بہرہ مند و در صنعت نقاشی نیز مہارت کامل داشته .

فرصت الدوله در دورہ کہ متاع علم و ادب را در ایران کسادی بازار کاستہ بود تنها شاعری است کہ از وظیفہ خود دست نکشیدہ و زندگانی فقر و فلاکت آمیز خود را در تألیف کتب نقیصہ و سرودن اشعار آبدار پایان رسانیدہ .

« مؤلفات وی بشرح ذیل است »

(۱) آثار مجم (۲) رسالہ صرف و نحو خط میخی

«۳» بستان الفرصہ .

«۴» مقالات علمی و سیاسی در دو جلد

«۵» میزان الاشکال در منطق .

«۶» بحور الالحان و این شش کتاب در دورہ زندگانی

مؤلف بطبع رسیدہ است .

«۷» رساله شطرنجیه در علم شطرنج «۸» مثنوی موسوم بهجر نامه «۹» دریای کبیر «۱۰» هیئت محمودی «۱۱» اخلاق احمدی و این پنج کتاب هنوز بطبع نرسیده. امید است معارف پروران شیراز از طبع و نشر آنها فراموش نفرمایند دیوان اشعار فرصت الدوله چون بطبع رسیده ما بنگارش همین يك بیت كه با هزار بیت برابر است قناعت کردیم.

« تمثال دو زلف و رخ آن یار کشیدم »

« یکروز و در شب زحمت اینکار کشیدم »

ادبا و شعرای شیراز و تهران مرثیه و ماده تاریخ بسار در سوکوی سروده اند ولی ما دو قطعه از میانه آنها برای طبع و نشر انتخاب نمودیم ادیب بزرگوار شیرازی ما آقای شعاع الملك در تاریخ و مرثیه استاد چنین داد سخن داده.

فرصت الدوله نصیر الدین فرصت رفت و شد از رفتنش علم و ادب کم سال تاریخش شعاع الملك گفتا آه از فرصت نصیر الدین سیم

رتال جامع علوم انسانی

« ۱۳۳۹ »

نصیر الدین اول خواجه نصیر طوسی و دوم نصیر الدین محمد جد فرصت الدوله است که صباحی کاشانی در تاریخ وقاش گفته :

« آه از مرك نصیر ثانی آه »

در تهران نیز اعضاء انجمن ادبی ایران ماده تاریخ و مرثی بسیار سروده اند و از آنجمله یکقطعه اثر طبع وقاد آقای میرزا علیرضا

خان طرفه عضو محترم انجمن ادبی منتخب و نگاشته میشود :
ماده تاریخ

اغ جانسوزی که فرصت بر دل پرخون نهاد
هیچکس غیر از دل پرخون نداند چون نهاد

آن محمد گز بس احمد بوحی نظم و نثر

با بمعراج فصاحت بر سر گردون نهاد

صحبش برقع ز روی چشمه حیوان گرفت

حکمتش انگشت بر طومار افلاطون نهاد

او ز آثار العجم در صفحه گیتی گذاشت

آنچه عیسی در جهان از صحف انکلیون نهاد

جای مروارید اگر خون در صدف بندد رواست

کز غمش خون در نهاد لؤلؤ مکنون نهاد

گرچه با هر کس بنای آسمان در کجرویست

از ازل با راستان بنیاد دیگرگون نهاد

با دل بر حسرت آخر از جهان باید گذشت

خیرش از گردش مبادا چرخ کاین قانون نهاد

عاقبت با این همه الفت که با احباب داشت

رفت و مارا کوه غم بر سینه محزون نهاد

سال تاریخ وفاتش خواستم از انجمن

هر يك از ارکان بنای جامه موزون نهاد

طرفه آورد از میان جمع سر بیرون و گفت

فرصت از حب جنان گام از جهان بیرون نهاد ۱۳۳۹